

## نقد ساختارگرا

نمایشگاه عکس سروش کیایی

نام نمایشگاه: اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر



این نمایشگاه با تعداد ۶۸ فریم عکس در مدت ۱۰ روز برای علاقمندان برپا شده است تعداد آثار انتخابی به نمایش گذاشته شده در این نمایشگاه بوده است. بنظرم اگر از عنوان اینجا را حذف می کرد لطمه‌ای به عنوان نمایشگاه وارد نمی شد.

### پوستر نمایشگاه :

پوستر نمایشگاه بر خلاف انتظار بیننده بجای عکسی از سردر دانشگاه ، حاوی عکسی از فضای داخلی دانشگاه است که این نکته باعث می شود ذهن بیننده را به دیدن بقیه ی عکسها ترغیب کند. در این پوستر حجم میله هایی که در این مکانی که مجسمه در آن قرار دارد به اندازه کافی فضا را شلوغ کرده لازم نبود این همه نوشتار انگلیسی و فارسی کنار هم به آن اضافه می شد. کادر سفیدی که ((نمایشگاه عکس های سروش کیایی)) روی آن نوشته شده انگار در فضا معلق است و به سمت راست شیب دارد من به جایی گرافیست بودم آنرا با زمین مماس می کردم یا روی سکوی مجسمه یا همانجا روبروی عنوان نمایشگاه با همان پرسپکتیو قرار می دادم. زاویه ای که این عکس عکاسی شده خیلی با دقت و آگاهی کامل بوده است. روابط فرم ها با همدیگر که با حالت مجسمه که سرش را به طرف پایین و دست راستش را روی سر خود قرار داده و آن حجم از میلگرد که به سمت سر و شانه او هجوم آورده اند انگار از ترس این میله ها این حالت را به خود گرفته است. پارچه زرد و مصالح روی زمین افتاده با نبودشان چیزی از گیرایی و انسجام عکس کم نمی شود. جای ((اینجا پردیس ولیعصر دانشگاه هنر و ۷ تا ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۵)) درست انتخاب شده است.

### عکسها:

نشان دادن موزایک های کف اتاق و سیمهای رابط روی زمین ریخته و اینکه این اتاق مربوط به کدام رشته است و آن چراغ روشن کاربردش در این فضای اتاق چیست نمی دانم. اگر مربوط به نورپردازی است این میز و صندلی گردان آنجا چه می کنند؟ اگر جای مطالعه یا دفترکار عکاس است آن چراغ بزرگ آنجا چه می کند؟ نکته دیگری که خیلی توجه من را در عکسهای این نمایشگاه به خود جلب می کند عدم یکپارچگی اکسپوز در عکسها است.



فضاهای بیرونی عکاسی شده را می توان در جاهای دیگری مثل پیاده رو ها، مدارس و پارکها هم دید و حسی به عنوان فضای دانشگاه در بیننده ایجاد نمی شود. راه پله ها فایل های فلزی و این پله هایی که به طرف زیرزمین متروکه می روند بیشتر از دانشگاه حس بودن در محیط مدرسه عفاف شهر ایلام را به من می دهد. شاید من بادم المان های دیگری از دانشگاه را انتخاب می کردم که لاقلاً اگر کسی این عکس ها را دید یک درصد حدس بزند اینجا دانشگاه است. ولی از حق نگذریم نگاه فرمی به فضاها در عکس ها رعایت شده تا چشم در عکس ها می چرخد فرم می بیند.

بیشتر از فضای داخلی دانشگاه، فضای بیرون در عکس ها دیده می شود که پر از وسایل اضافی و کولر و تانکر و بشکه و... است. من اصلاً فکر نمی کردم دانشگاهی با این آوازه فضایی در حد مدرسه داشته باشد. مدرسه های امروزه خیلی مدرن تر از این فضاست تا قبل از دیدن این عکسها مشتاق دیدن دانشگاه بادم ولی الان رغبتی برای دیدنش ندارم.

در چند مورد از عکسها، بخشی از ماشین ها در کادر هستند. آیا ضرورتی به وجود آنها در عکس ها بود؟ اگر غیر از این است عکاس مدت یک سال و نیم برای عکاسی از این فضا وقت داشته است یعنی در همه روزها و ساعت ها و ماه ها این خودروها همینجا پارک بوده اند؟ اگر اینطور باشد که باید فکر کنیم جزء دیزاین این مکان هستند. اگر این خودروها را حذف می کرد هیچ صدمه ای به عکس وارد نمی شد شاید هم بهتر بود.

مورد دیگری که خیلی توجهم را جلب می کند عکسی است که از باغچه و درختان دانشگاه گرفته شده که دو نیمکت سنگی را می بینم و یک فیگور شبیه یک پسر بچه بزرگ میان آنها قرار دارد یا شاید هم سطل آشغالی به این شکل باشد و اینکه کیپ تا کیپ وسط دو نیمکت سنگی قرار گرفته، ذهن بیننده را به چالش می کشد جالب است.

در عکس دیگر که احتمالاً طبقه ای غیر از طبقه همکف است فضای وسط سالن پوشیده از مربع های توخالی در کنار هم با معماری که مدرن انجام شده و با عکسهای فضای بیرون در تضاد است. نیمکت ها ی این عکس ذهن ما را به سمت سالن انتظار بیمارستان ها می برد.



عکس ها زمان مند نیستند و سیر عکاسی استقرایی است. در این عکس همه چیز پراکنده و بی ربط روی دیوار دیده می شود ولی تصویر چاپ شده چارلی چاپلین روی دیوار و سمت نگاهش به طرف نوشته ها در کل انسجامی به آنها داده که آزاردهنده نیست.

من ۴۶ فریم از ۶۸ فریم عکسی که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده را دیده ام، شاید همین نواقصی که در دیدن عکس ها و حتی فضایی که این عکس ها در آن به نمایش گذاشته شده اند و کیفیت چاپ عکس ها ، چینش و سایز آن ها ، و عکس ها را در فضای مجازی دیده و قضاوت می کنم، قضاوت عادلانه ای نباشد. ولی با توجه به همین تعداد و کیفیت در نهایت باید بگویم شاید حق با عکاس باشد که به جز این فضاها جای دیگری برای عکاسی در دانشگاه وجود نداشته یا اینکه نماهایی که خودش از آنها خاطره داشته را عکاسی کرده است. همانطور که در بیانیه ایشان دیده می شود هدفش به تصویر کشیدن خاطرات خودش از این مکان می باشد و این کاملا منطقی است چون ما نمی توانیم به عکاس تحمیل کنیم که نباید از این نقطه خاطره نداشته باشی یا از فلان قسمت از این فضا خاطره داشته باشی.

به هر حال جای خالی فضای داخلی کارگاه های هنری و دانشجویان و یا حداقل کارکنان و اساتید ، سرایدار که بخشی از خاطرات این مکان هستند احساس می شود ، انگار که این عکس ها در دوران کرونا گرفته شده اند.